آرمان ملی
armanmeli.ir
سال هشتم
شماره ۲۰۱۵
دوشنبه
۱۴۰۳ • ۱۰ • ۱۷
۵ رجب ۱۴۴۶ / ۶ ژانویه ۲۰۲۵

ذره بین

لایحه حفظ کرامت و امنیت زنان در دستور کار مجلس

نوبت وفاق برای زنان

آرمان ملی- یاسمین طالقانی: معاون رئیس جمهوری در امور زنان و خانواده اعلام کرد: لایحه حفظ کرامت و امنیت زنان در برابر خشونت که با همکاری دولت و قوه قضاییه تدوین شده، در دستور کمیته زنان و خانواده کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است. زهرا بهروزآذر، معاون رئیس جمهوری در امور زنان و خانواده در حساب کاربری خود در شبکه ایکس نوشت: «لایحه حفظ کرامت و امنیت زنان در برابر خشونت که با همکاری دولت و قوه قضاییه تدوین شده، در دستور کمیته زنان و خانواده کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی قرار گرفته. ان شاءا... با دقت و فوریت بررسی و تصویب شود و گامی مؤثر در پیشگیری از بروز خشونت و حمایت از حقوق زنان باشد.»

نشانه‌های تصویب لایحه

در دیدار تعدادی از زنان با مقام معظم رهبری یکی از شرکت‌کنندگان به انتقاد از عدم تصویب لایحه ارتقای امنیت زنان پرداخت که رهبر انقلاب تاکید کردند: «این قانون باید دنبال شود و ما هم سفارش می‌کنیم تا مجازات سختی برای مردانی که محیط خانه را برای زن ناامن می‌کنند، در نظر گرفته شود.» کلیات لایحه ارتقای امنیت زنان، فروردین‌ماه امسال بود که تصویب شد و نشانه‌هایی از موافقت مجلسیان با این لایحه وجود دارد چنانکه محمدباقر قالیباف رئیس مجلس در ۳ تیر توئیتی را درباره حفظ امنیت زنان منتشر کرد و نوشت: «برای جلوگیری از آسیب به زنان در قانون «ارتقای امنیت زنان» چاره اندیشیدیم. اگر مرد ناجوانمردی همسرش را از خانه بیرون کند، آن زن شب کجا برود؟ در شهرداری مراکزی راه انداختیم که با یک تلفن به یک مرکز امن می‌رسید تا از آسیب‌ها و خشونت‌های بعدی در امان.»

تصویب با راهکار وفاق

تصویب این لایحه موفقیت دریگری برای دولت دکتر پزشکیان است که از آغاز حضورش در دولت به فکر تحقق وعده‌هایش بود، وعده‌هایی که به گفته او تنها در جهت تامین رضایت مردم است مانند رفع فیلتر دو اپلیکشینی که بخش‌هایی از مردم نیاز به استفاده از آن را داشتند. رمز موفقیت‌های رئیس جمهور در وفاق نهفته است. وفاقی که سال‌ها مغفول مانده بود.

راه سخت

حمایت از امنیت بانوان در روابط اجتماعی برای نخستین بار در قانون برنامه پنجم توسعه مطرح شد، در ماده ۲۷۷ این قانون که از سال ۱۳۹۰ اجرایی شد، تهیه و تدوین «سند ملی امنیت بانوان و کودکان در روابط اجتماعی» با مشارکت و برنامه‌ریزی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه، سازمان بهزیستی کشور، شهرداری، وزارت کشور، شورای عالی استان‌ها، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و کار و امور اجتماعی به دولت واگذار شد. به دنبال آن بود که لایحه «حمایت از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر خشونت» در دولت تهیه و در دیماه ۱۳۹۹ برای طی مراحل قانونی به مجلس یازدهم ارسال شد، کلیات این لایحه سرانجام پس از بیش از دو سال یعنی ۲۱ در فروردین ۱۴۰۲ به تصویب مجلس رسید و برای بررسی جزئیات بار دیگر راهی کمیسیون اجتماعی شد، اگرچه در نهایت نتوانست در سال پایانی عمر آن دوره مجلس فرصت تصویب پیدا کند و جمع لوایحی که در مجلس خاک می‌خورند، پیوست. تصویب لایحه حفظ کرامت و حفاظت از زنان در برابر سوءرفتار یکی از مطالبات مردم به‌ویژه جامعه زنان در راستای حفظ شان و جایگاه زنان است، زنانی که در دهه‌های اخیر جایگاه شایسته‌ای در نظام اقتصادی، اجتماعی و اداری کشور یافته‌اند و انتظار دارند از سوی قانون نیز در روابط اجتماعی و فردی مورد حمایت قرار گیرند. اکنون دولت پزشکیان درصدد آن است که مجلس را مجاب به تصویب لایحه حفظ کرامت و امنیت زنان در برابر خشونت کند، یکی از موضوعات مهم حقوق بشری، خشونت علیه زنان است. با توجه به این که مقابله با همه اشکال خشونت دارای اهمیت است، اما ارتکاب خشونت خانگی به‌دلیل شیوع بسیار در کشورهای جهان و به دلیل آسیب‌های جدی جسمی و روحی که بر زنان دارد، به عنوان مهم‌ترین مصداق خشونت، محور توجه دولت‌ها و اعمال راهکارهایی در دو حوزه داخلی و بین‌المللی شده است. خشونت در واقع شامل هر نوع خشونت جسمی، روانی و جنسی و غیره در حوزه خانواده و جامعه می‌شود از جمله اهدافی که در لایحه امنیت مورد توجه قرار گرفته بود، پیشگیری از سوءرفتار علیه زنان، ارتقای امنیت روانی زنان در محیط خانواده، حمایت‌های قضایی و کیفری از زنان آسیب‌دیده، امکان مداخله مددکاران یا دفاتر امور زنان دادگستری در شرایط وقوع خطر شدیدالوقوع برای زنان بود. در این لایحه برای تقریبا ۱۵ نهاد و دستگاه وظیفه تعیین شده است که وزارت کشور به عنوان نهاد اصلی تولی‌گری و هماهنگ‌کننده، معرفی شده است.

گزارش «آرمان ملی» از مواجهه تندروها با دولت‌های مختلف

پازل تندروها در تقابل با دولت‌ها

محمد مهاجری در گفت‌وگو با «آرمان ملی»: تندروها به هر قیمت می‌خواهند دولت پزشکیان را زمین بزنند

آرمان ملی- حمید شجاعی: تندروها در مقاطع مختلف پس از انقلاب به کنش سیاسی و فعالیت پرداخته‌اند و در دولت‌های مختلف رفتارهای متفاوتی از خود بروز و ظهور داده‌اند. چنانکه اگر نیک بنگریم خواهیم دید که از مسائل کلان و کلی در حوزه‌های مختلف تا جزئی‌ترین مسال نوع رفتارها تفاوت می‌کرده است. نمونه این امر را می‌توان در مواجه تندروها با دولت‌های اصلاحات و اعتدال و دولت‌های مهرورزی و مردم دید که اوضاع در دولت‌های سید محمد خاتمی و حسن روحانی چگونه پیش رفته و در دولت محمود احمدی‌نژاد و سید ابراهیم رئیسی بر چه مبنایی جلو رفته است. قدر مسلم دولت خاتمی‌که از قضا به روایت تاریخ و آمار با رشد اقتصادی ۸ درصد و رشد صنعتی ۱۱ درصد بهترین دولت پس از انقلاب است با حملات و هجمه‌های فراوانی روبه‌رو بود. یکی از مسائل مواجهه مجلس پنجم با دولت بود که به واسطه برخی سویه‌گیری‌ها چند تن از وزرای دولت از جمله عبدا... نوری وزیر کشور، احمد خرم وزیر راه و ترابری، سید عطاا... مهاجرانی وزیر ارشاد، عبدالعلی‌زاده ، وزیر مسکن، احمد معتمدی وزیر ارتباطات و مسعود پزشکیان با استیضاح مواجه شدند که از این بین نوری و خرم از دولت کنار رفتند. از طرفی یکی از ضربات جبران‌ناپذیری که دولت اصلاحات متحمل آن شد طرح تثبیت قیمت‌ها بود که از سوی مجلس اصولگرای هفتم به دولت تحمیل شد و هنوز که هنوز است آثار زیانبار آن متوجه اقتتصاد کشور است. با این همه دولت اصلاحات با مدیران کاربلد و توانای خود توانست عملکرد مثبت و خوبی از خود برجای بگذارد. این رویه در دولت روحانی اما مقداری به‌روزتر شد و تندروها که تجربه دولت خاتمی را داشتند در دولت روحانی شمشیر را از رو بستند و از همان مجلس نهم به مقابله با روحانی و مردانش پرداختند. چنانکه فرجی‌دانا، فانی، آخوندی از سوی مجلس به استیضاح کشیده شدند و فرجی دانا به دلایل سیاسی همچون انتصابات چهره‌های سیاسی اصلاح‌طلب در بدنه وزارت علوم از کار برکنار شد. اما این فقط مجلس نبود که دولت را به ویژه در ماجرای برجام مورد هجمه قرار می‌داد؛ بلکه رسانه‌های تندروها انواع اتهامات، افتراها و بد اخلاقی‌ها را علیه دولت روحانی و مردانش روا داشتند. جایی که خود حسن روحانی و محمدجواد ظریف را خائن، غربگرا و سازشکار خواندند. مواجهه صداوسیما نیز این بود که نه تنها به پوشش دستاوردهای دولت نپرداخت بلکه به دنبال سوژه‌هایی برای حمله و تخریب علیه دولت بود. دولت فعلی مسعود پزشکیان نیز از همین ابتدا آماج حملات و هجمه‌های تندروها و رسانه‌هایشان است و به نحوی درصدند تا عرصه را به دولت تنگ کنند تا پزشکیان و دولتش را زمینگیر کنند. استیضاح زودهنگام مجلس و حملات رسانه‌های تندرو حکایت از این دارد که قرار نیست بگذارند آب خوش از گلوی پزشکیان رد شود.

دولت‌های موافق تندروها

شاید زمانی‌که محمود احمدی‌نژاد در سال ۸۴ با شعار انقلابی‌گری، عدالت و مهرورزی روی کار آمد تندروها بهشت برین را برای خود تجسم کردند چراکه توانستند از کف خیابان به نهادهای دولتی و دانشگاه‌ها برسند و منویات خود را از مسیر دیگری پیاده کنند. اما رویه عملکردی دولت احمدی‌نژاد به نحوی بود که رشد اقتصادی مثبت ۸ درصدی دولت خاتمی با تنزل ۱۴ درصدی به منفی ۶ درصد رساند و اقتصاد کشور را ۲ واحد کوچک کرد و از طرف دیگر نیز با کاغذ پاره خواندن قطعنامه‌ها ۶ قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل را به ایران تحمیل کرد. اما نه تنها مورد حمایت جریان تندرو و اصولگرایان قرار گرفت بلکه صداو سیما نیز از کوچک‌ترین خللی به اقدامات و عملکردهای دولت وقت وارد نکرد. مواجهه این دولت با مجالس هفتم و هشتم نیز اینگونه بود که به رغم طرح استیضاح برخی وزرای دولت احمدی‌نژاد اساسا مجلس را به رسمیت نمی‌شناخت و رد می‌کرد، اما تندروها، رسانه‌هایشان و صداو سیما هیچ‌گاه علیه دولت و عملکردهایش که پایه‌گذار افزایش مشکلات اقتصادی کشور بود سخنی به زبان نراندند. از سوی دیگر در دولت رئیسی نیز رویه همین طور بود و اگر در دولت احمدی‌نژاد بعضا اندک انتقادی می‌شد در این دولت انتقادات به طور کل تعطیل شد و همه چیز سمت حمایت بی قید و شرط رفت. حتی هم اکنون نیز با وجود تغییر دولت و برجای ماندن زمینی سوخته از دولت قبل همچنان سر خود را بالا گرفته و از اسب زین شده سخن می‌گویند. این روند نشان می‌دهد صحبت از عدالت در مواجهه با دولت‌های مختلف سرابی بیش نبوده و رویکرد تندروها و صداوسیما صرفا باندی، جناحی و راستای منویات خودشان بوده که دولت‌های موافق را همراهی و دولت‌های مخالف را نقد و طرد کنند.

اقدام غیراخلاقی

یک فعال سیاسی اصولگرا در خصوص نوع مواجهه تندروها با دولت‌های مختلف اظهار داشت: قبل از هر چیز باید این مساله را در نظر بگیریم که هر جناحی قدرت می‌گیرد جناح رقیب حق انتقاد و بازگویی اشتباهات را دارد. چون ما در زمانی هم که مثلا دولت آقای احمدی‌نژاد و آقای رئیسی روی کار بودند انتقادهای جریان مقابل انتقادهای قابل اعتنایی بود و رسانه‌های تقابل سکوت نکردند. محمد مهاجری به «آرمان ملی» گفت: نکته‌ای که الان وجود دارد این است که جناحی که امروز در مقابل پزشکیان است کاری را انجام می‌دهد که از یک جهت دیگر غیراخلاقی است. از این جهت که پزشکیان وقتی که با شعار وفاق آمده حتی سهم جریان اصولگرا داده شده است. هم در ترکیب کابینه، هم در استانداران و در مدیران کل و در معاونان وزرا بخش قابل اعتنایی از جریان اصولگرا دارای سمت‌هایی شدند. غیراخلاقی بودن اینجا است که جریان اصولگرا و حتی به نظرم جریان پایداری با وجود دریافت امتیازهایی بازهم در مواجهه با دولت بستانکار و طلبکار هستند. وی افزود: هیچوقت هیچ جریان سیاسی در ۱۵ سال گذشته به اندازه جبهه پایداری تخریب علیه رقبای خودش نداشته است. اینکه امروز انتقادهایی به جناح تندرو می‌شود از این ناحیه است که آنها با روش‌های سیاسی که با یک روش غیراخلاقی این اقدامات را انجام می‌دهند. ببینید در دولت آقای رئیسی هم از همان هفته اول معلوم بود که نقاط ضعف‌هایی دارد اما صحبت از استیضاح یا استعفای دولت نبود. اما امروز متاسفانه می‌بینیم که این جریان تندرو ضددولت در واقع فتیله اعتراضات و اختلاف‌افکنی‌ها را بالا کشیدند. این فعال اصولگرا در خصوص اینکه حملات علیه دولت برنامه‌ریزی شده است، تصریح کرد: یک جنگ روانی جدی است یعنی جریان جبهه پایداری به دلیل اینکه شکست غیرمنتظره‌ای از نظر خود خورد و فکر نمی‌کرد که در این انتخابات میزان مشارکت بالا باشد و به‌دلیل مشارکت بالا نتوانست خودش را وارد کاخ ریاست جمهوری کند. لذا از ابتدا یک حس انتقام‌جویی و یک حس عقده در جریان تندرو به وجود آمد که دنبال این است که آن حس را تخلیه کند اگر به این معنا بگوییم برنامه‌ریزی شده است، بله آنها به هر حال دنبال این هستند که هر قیمت ممکن دولت آقای پزشکیان را زمین بزنند.

«آرمان ملی»، شکاف در اردوگاه اصولگرایی را بررسی می‌کند

مصائب قالیباف در جدال با پایداری‌ها

آرین منش: تندروها میدان‌دار جریان اصولگرایی شده‌اند

آرمان ملی- سیاوش پورعلی: جدال و تقابل در اردوگاه اصولگرایی این روزها به تیتر یک رسانه‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا تبدیل شده است و چنین می‌نامند که باید منتظر افزایش اختلاف‌ها و پررنگ‌تر شدن مرزبندی‌ها باشیم. قوه قانون‌گذاری همچنان در اختیار اصولگراها است و اگر بخواهیم روند اختلاف آنها را بررسی کنیم باید به انتخابات اسفند سال گذشته بازگردیم. اصولگراها بعد از حضور با یک لیست در انتخابات مجلس یازدهم توانستند رکورد جدیدی را ثبت کنند چون برای اولین‌بار با حاکمیتی یکدست روبه‌رو شدیم ولی این انسجام گویی دیگر وجود ندارد چون این طیف گسترده با چهار لیست در انتخابات مجلس دوازدهم حاضر شد. کشور اکنون با ناترازی‌های انرژی، مالی و اقتصادی همراه است و همچنین وضعیت خاورمیانه که نوسانات زیادی دارد و چنین موضوعی می‌رساند تا دولتمردان بیش از گذشته باید به‌فکر وضعیت جامعه باشند ولی آنچه می‌بینیم خبری از همکاری مسئولان حداقل در بهارستان نیست و این مدیریت را برای محمدباقر قالیباف که لیدر جریان نواصولگرایی هم محسوب می‌شود دشوار خواهد کرد. اختلافات در دورن اردوگاه وسیع اصولگرایی روبه افزایش است و خبری از ریش‌سفیدهای جریان سنتی هم نیست که بتوانند وضعیت را مدیریت کنند حالا در غیاب چهره‌هایی مانند حداد عادل، علی لاریجانی، محمدرضا باهنرو... شاهد میدان‌داری تندروها در بهارستان هستیم. روز گذشته یکی از نمایندگان تندرو با دیکتاتورخواندن رئیس مجلس سناریوی تکراری ولی در راستای تخریب چهره قالیباف را در دستور کار قرار داد که طبق گفته یکی از تحلیلگران اصولگرا خطی است که تندروها در تقابل با لاریجانی هم از آن استفاده می‌کردند. آرین‌منش در همین مورد معتقد است که پایداری‌ها تلاش دارند با حاشیه‌سازی‌ها، خود را در صدر اخبار نگاه دارد. در ادامه این مصاحبه را می‌خوانید.

رای اجباری به قالیباف

جواد آرین‌منش، تحلیلگر مسائل سیاسی و نماینده ادوار مجلس شورا در پاسخ به این سوال که رفتار تندروها که همواره به‌دنبال حاشیه‌سازی در بهارستان هستند چه تاثیری بر روی مدیریت محمدباقر قالیباف در آینده خواهند گذاشت، به خبرنگار «آرمان ملی» می‌گوید: «مشکلات کشور روبه افزایش است و با ناترازی‌ها، تورم، نوسانات نرخ ارز، گسترش نارضایتی‌ها و مشکلات معیشتی فشارها را به مجلس و دولت افزایش خواهد یافت. وضعیت به‌گونه‌ای است که انتظار داریم حداقل در صحن مجلس آرامش و انسجام مشاهده کنیم تا با همفکری چالش‌ها برطرف شود. اکنون باتوجه به حواشی‌ها و چالش‌ها باید با انسجام از این پیچ خطرناک عبور کنیم. متاسفانه نه در داخل مجلس وحدت و انسجام دیده می‌شود و نه در روابط میان دولت و مجلس هماهنگی مشاهده می‌کنیم. حالا رفته‌رفته باید در انتظار از راه رسیدن استیضاح‌های وزرای اقتصادی دولت هم باشیم. این در شرایطی است که حتی مردم عادی و غیرمتخصص هم می‌دانند که با تغییر یک وزیر چیزی درست نخواهد شد بلکه مشکلات رو به افزایش خواهد رفت.» او در همین مورد و با اشاره به اختلافات داخل مجلس، اضافه می‌کند: «در این شرایط نیاز است تا طیف‌های درون مجلس برنامه‌های مدونی برای کاهش مشکلات داشته باشند ولی صداهای ناهماهنگ بیشتری نسبت به گذشته در صحن شنیده می‌شود. اکنون شاهد تقابل و جدال جریان‌های اصولگرا هستیم. در این وضعیت اصلاح‌طلبان اندک حاضر در مجلس نظاره‌گر دعواهای درون خانوادگی اصولگراها هستند. دعوایی که بین پایداری‌ها، نواصولگراها و اصولگراهای معتدل به وجود آمده است. قالیباف با جبهه‌گیری‌هایی روبه‌رو است که جدید نیست، این جریان رادیکالی که در مجلس دوازدهم حضور دارد در ادوار گذشته، همواره برای رئیس‌ها چالش‌آفرینی می‌کردند همین رفتار را با علی لاریجانی هم داشتند. کلماتی مانند «دیکتاتور پارلمانی» که در مجلس دوازدهم شنیده می‌شود در ادبیات تندروها همواره وجود داشته و چیز جدیدی نیست. این جریان همواره برای مطرح‌کردن خودشان جنجال‌آفرینی را در دستور کار قرار می‌دهند و چنین می‌اندیشند که مردم به این جنجال‌ها توجه دارند و با همین فرمان هیچ گره‌ای از مشکلات کشور حل نخواهند کرد. نباید فراموش کنیم که همین جریان رادیکال برجام را در مجلس آتش زدند و گفتند نیازی به آن نداریم و مشکلات را در داخل حل خواهیم کرد. حالا باید به مردم پاسخ دهند که چرا طبق پیش‌بینی آنها مشکلات را نتوانستیم حل کنیم؟ تندروها همواره تلاش دارند با تیترهایی مانند کودتای قالیباف علیه اصولگراها یا کودتای قالیباف علیه شانا و... رئیس مجلس را از دایره اصولگرایی خارج کنند ولی تاکنون موفق نشدند. همین جریان پایداری در انتخابات مجلس دوازدهم موفق شد شورای وحدت را در مقابل شانا قرار دهد. این ماجراها از گذشته وجود داشته و همچنان هم ادامه خواهد داشت.» آرین‌منش در همین مورد و با اشاره به جای خالی عقلای اصولگراها می‌گوید: «عقلای اصولگرا اکنون در حاشیه هستند و می‌بینیم که پاچنارها بر چنارها غلبه کرده‌اند و در حال میدان‌داری هستند. اگر در زمان انتخابات ریاست مجلس این مجموعه به قالیباف رای می‌دهند برای رسیدن به سهم‌هایی در هیات رئیسه و... است و هیچ همراهی دیگری با قالیباف ندارند. تندروها هیچ وقت نتوانسته‌اند چهره‌ای مانند قالیباف را راهی بهارستان کنند تا بتوانند با او رقابت کنند. در دوره آینده که نوبت انتخاب هیات رئیسه مجلس خواهد رسید بازهم می‌بینیم که مجبورند به قالیباف رای دهند.»

جنجال در صحن

در جلسه روز گذشته مجلس حاشیه‌ها و جنجال‌ها همچنان ادامه داشت و این بار نوبت به نماینده بافق رسید. محمدرضا صباغیان نسبت به تذکر قالیباف، مبنی اتمام وقت صحبتش، واکنش تندی از خود نشان داد که بسیاری آن را تکراری و برنامه‌ریزی شده از سوی تندروها برای تخریب رئیس مجلس می‌دانند. صباغیان، در جریان بررسی تقاضای لایحه دو فوریتی حذف ماده‌ای از قانون تولید رقابت‌پذیر طبق قانون ۳ دقیقه در مخالفت با این لایحه از تریبون مجلس صحبت کرد و حتی به گفته قالیباف، رئیس مجلس ۴ ثانیه بیشتر از فرصت قانونی‌اش نطق کرد. اما پس از قطع میکروفنش از صندلی بلند شده و خطاب به قالیباف گفت: «وا... دیکتاتوری تو.» در ادامه تعدادی از نمایندگان اطراف این نماینده معترض جمع شده و تلاش کردند صباغیان را آرام کنند. قالیباف نیز خطاب به این نماینده معترض اظهارداشت: «شما ۴ ثانیه از فرصت قانونی‌تان بیشتر صحبت کردید و میکروفن شما بعد از پایان مهلت قانونی خاموش شد.»

گزارش

تلویزیون، صدای کدام بخش است؟

صداوسیما در تنگنا

صداوسیما همچنان شرایط سختی را تجربه می‌کند. موضوعی که به ویژه پس از پیام مقام رهبری به نشست «افق تحول رسانه ملی» بار دیگر مطرح شد و آمار و ارقام نیز حمایت از مخاطبان از دست رفته این رسانه دارد. نظرسنجی اخیر «ایسپا» نشان می‌دهد که کمتر از ۳۰ مردم برنامه‌های صداوسیما در شب یلدا تماشا کرده‌اند. در این میان محمد سرافراز، رئیس اسبق صداوسیما نیز در گفت‌وگویی تصویری از برخی دخالت‌ها در امور صداوسیما پرده برداشت. موضوعی که نشان می‌دهد مسائل این رسانه پیچیده‌تر از آن چیزی است که در ظاهر قابل مشاهده است.

ریزش مخاطب؛ پیوسته

براساس نظرسنجی اخیر درباره عملکرد صداوسیما در شب چله امسال، کاهش قابل توجهی قابل مشاهده است. در سال ۱۳۹۷، ۵۰ درصد مردم برنامه‌های شب یلدای صداوسیما را تماشا کردند که در سال ۱۴۰۰ به حدود ۳۳ درصد رسید، اما حتی پیش از انتشار این اعداد و ارقام نیز کاهش اقبال عمومی به برنامه‌های صداوسیما محسوس بوده است. عباس عبدی تحلیلگر و فعال سیاسی در این زمینه نوشت: «صداوسیما در یک خلأ هویتی و کارشناسی و سیاستی قرار دارد...» عبدی نوشت که صداوسیما دیدن فوتبال باشگاه‌های اروپا را به حساب مخاطب خود می‌گذارد! ولی جرأت ندارند که یک تریبون آزاد و مستقیم در چهارراه ولی‌عصر بگذارند تا ببینند مردم چه می‌گویند و چه نگاهی به سیاست‌های این رسانه دارند... این فعال سیاسی تاکید کرد که صداوسیما یکی از ناکارآمدترین نهادهای کشور به حساب می‌آید. این در حالی است که بودجه صداوسیما نیز در ۱۰ سال گذشته براساس برآوردها دو هزار و ۳۸۰ درصد افزایش پیدا کرده است. در سال گذشته نیز این نهاد ۲۴ هزار میلیارد تومان بودجه از دولت سیزدهم گرفت.

روسای یک دوره‌ای!

همزمانی نظرسنجی ایسپا، پیام مقام رهبری و واکنش‌ها به افول محسوس صداوسیما موجب شده تا بیش از پیش موضوع تمدید نشدن حکم جبلی در پایان دوره پنج ساله ریاستش بر صداوسیما مطرح شود. او مهرماه ۱۴۰۰ به ریاست صداوسیما منصوب شد و تقریبا دو سال دیگر دوران نخست ریاست او به پایان می‌رسد. بررسی روسای صداوسیما نشان می‌دهد که براساس عرف، روسای صداوسیما در دو دوره پنج ساله منصوب می‌شوند. عبدالعلی علی‌عسگری رئیس پیشین صداوسیما، اما پس از پایان دوره پنج ساله حکمش جای خود را به جبلی داد. در حالی دو رئیس پیش از او، یعنی عزت‌ا... ضرغامی و علی لاریجانی هر دو ده سال ریاست را به عهده داشتند و محمد سرافراز نیز پس از یک سال و نیم، نخستین رئیس صداوسیما بود که از سمت خود استعفا داد.

داستان آگهی‌ها

سرافراز دلایل استعفای خود را به شکل مبسوطی در کتاب «روایت یک استعفا» شرح داده است. جان کلام او این است که اصلاحات ساختاری او در صداوسیما منافع برخی جریان‌های قدرت را که در نظام حکمرانی نفوذ بسیاری داشتند به خطر انداخت. سرافراز در آخرین مصاحبه خود در همین زمینه گفته: «نظام حکمرانی بعد از زمانی همراهی نکرد... گرفتار شدیم و در دو مقوله علیه ما کار می‌کرد. یکی جاسوس‌سازی کنار دست من. یکی هم بحث بازرگانی بود... چرا صداوسیما آمد یک کار قانونی برای مزایده بازرگانی انجام دهد که هر کس بیش‌ترین پیشنهاد را داد بیاید مجموعه را به دست بگیرد، چرا آمدید کارشکنی کردید و شرکت‌ها و کنسرسیوم‌هایی که آمده بودند در مجموعه را تهدید کردید که کنار بکشند، و آخری که برنده شد هم تهدید شود که کنار بکشد...»

جبلی یا جلیلی؟

پیمان جبلی پس از آغاز ریاست، وحید جلیلی را به قائم مقامی خود منصوب کرد. به همین دلیل بسیاری دوره جبلی را دوره تسلط یاران دور و نزدیک جلیلی بر صداوسیما می‌دانند. مثلا در یکی از آخرین تحولات محمدعلی صائب رئیس دفتر سابق سعید جلیلی به عنوان رئیس شبکه خبر منصوب شده است. در جریان انتخابات ریاست جمهوری نیز وحید جلیلی در ستاد برادرش حضور داشت. اتفاقی که مدیران صداوسیما حتی درباره آن توضیح و پاسخی ندادند. پس از انتخابات نیز رویکرد صداوسیما انتقادات بسیاری را درباره تمایلات جناحی این رسانه در مقابل رسالت ملی آن مطرح کردند. به این ترتیب به نظر می‌رسد که جبلی می‌تواند از جمله روسای یک دوره‌ای صداوسیما باشد و در این صورت آخرین سنگر یاران جلیلی و پایداری‌چی‌ها نیز از دست خواهد رفت.

پیام متفاوت

به نظر می‌رسد که پیام مقام رهبری در چارچوب عملکرد صداوسیما بازتاب پیدا کرده است. روزنامه «هم‌میهن» در این زمینه نوشت: «متن پیام آیت‌ا... خامنه‌ای خطاب به رئیس سازمان صداوسیما با ادبیات مرسوم پیام‌های ایشان تفاوت زیادی دارد. پیام‌های ایشان عموما با تکریم مخاطب آغاز و با دعای خیر به پایان می‌رسد.» به همین دلیل برخی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی این متن را پیامی بدون سلام و والسلام خواندند و به نحوی آن را نشانه نارضایتی مقام رهبری از عملکرد این سازمان تعبیر کردند. البته مهدی فضائلی عضو دفتر حفظ و نشر آثار رهبری با انتشار پستی در شبکه «ایکس» به این بازتاب‌ها واکنش نشان داد و آن «به حاشیه بردن متن» دانست. ناکارآمدی صداوسیما به عنوان نهاد رسانه‌ای حاکمیت، معلول علت‌های بسیاری است و تغییر شرایط آن نیز با موانع بسیاری روبه‌رو است که سرافراز به برخی از آنها اشاره کرده است. هرچه هست، آنچه روشن است حرکت مداوم این نهاد رسانه‌ای روی سرازیری افول در سال‌های اخیر است که با مدیریت فعلی ادامه خواهد داشت.